

پرونده شماره ۱۶
شعبه سه
حکم شماره ۳ - ۱۶ - ۳۰

IRAN UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دادگاه داوری دعوی ایران - ایالات متحده
FILED - ثبت شد	
No. ۱۶	شماره ۱۶
Date ۱۸ MAR 1983	
۱۳۶۱ / ۱۲ / ۲۷	

ریگووا گنرا یکوییمانت کا مپنی ،

خواهان ،

- و -

ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن ،
خوانده ،

حکم

حاضران

از جانب خواهان : آقای ام . استرن ، وکیل
ازدارالوکاله فردیکسون ، بایرون ، کلبورن ،
بیزبی اندها نسن ، مینیا پولیس .

آقای ج . منسل
رئیس ریگووا گنرا یکوییمانت کا مپنی

از جانب خوانده : آقای م . شمس
ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن

همچنین : آقای محمدکریم اشراق ، نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران
آقای آ . دبليو . رواین ، نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

بِحْشِ يَكْمٍ - شِرْحُ وَقَايَةٍ

ریگوواگنرا یکوپیمنت کا مینی ("خواهان" یا "ریگوواگنر") بخشی از ریگوواگنر، اینکورپوریتد بوده و طبق قوانین ایالات اورگان، ایالات متحده، تشکیل یافته است.

کارگزاری ایران اکسپرس لاینز در مدت مربوطه یک شرکت فلوریدا بیهوده می‌بود که در این پرونده میتوان چنین استنباط کرد که یوتریک کورپوریشن یا اعضای خانواده یوتریک دارای حقوقی نسبت به سرمایه ایران اکسپرس لاینز بوده‌اند.

هنجا می که اکسپرس ترمینال تشکیل شد، ۴۹ درصد سهام آن توسط هندریک یوتریک و آقای جان دی. یوتریک پذیره نویسی شده، درحالیکه بقیه سهام در اختیار اتباع ایرانی بود. در جلسه موسسین شرکت والین جلسه هیات مدیره، که هر دو در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۷ (آبانماه ۱۳۵۶) تشکیل شد، آقا یان هندریک و جان دی. یوتریک همراه با سه نفر سه مدادر ایرانی به عنوان اعضا هیات، و جان دی. یوتریک به عنوان رئیس، انتخاب شدند.

هم ایران اکسپرس لاینز و هم اکسپرس ترمینال در بندر خرمشهر فعالیت می‌کردند.

ادعای ریگووا گنر مبتنی است بر دو قراردا دا جا ره تجهیزات هردو سه تاریخ ۲۹ آوت ۱۹۷۲ و ۱۳۵۶ شهریورماه (۱۳۵۶) که حسب اراده، با خوانده منعقد شده بود. طبق این قراردا دها ریگووا گنر میباشد دوستگاه، ماشین تخلیه و با رگیری Port Packers مدل ام.ا.ج.ا - ۸۰ به شماره های ردیف ۷۵۰۲ و ۷۵۰۷ درازای پرداخت اجاره بهای ما هانه به میزان ۱۲،۶۰۰ دلار و پیا ۳۰۰ دلار برابر ای هر دستگاه، به اکسپرس ترمینال اجاره دهد. قرار برای بود که مدت اجاره از اول سپتامبر ۱۹۷۷ (۱۰ شهریورماه ۱۳۵۶) شروع شود و احتیار تمدید آن برای دوبار متواتی، هر بار به مدت یک سال برآس همان اجاره بهای

شرط شده بود. بدینسان قراردا دا جاره میباشد حداکثرتا ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۰ (۸ مهرماه ۱۳۵۹) ادامه یابد. اکسپرس ترمینال متعهد بود که در پایان مدت اجاره، ماشین آلات استیحاری را به ریگووا گنر عودت دهد، مگراینکه بخواه دار اختیار خرید پیش بینی شده در قرارداد اداره اجاره استفاده کند. طبق قرارداد اداره اجاره، به اجاره بهای معوقه بهره ای با نرخ ۱۲ درصد در سال تعاقبی گیرد.

ریگووا گنر مدعی است که اکسپرس ترمینال، از اول مارس ۱۹۷۹ (۱۰ اسفندماه ۱۳۵۷) از پرداخت اجاره بهای ماها نه مقرر خودداری ورزیده، از حق خود در موردا اختیار خرید استفاده نکرده و علی رغم درخواست، از استرداد دودستگاه ماشین امتناع ورزیده است.

ریگووا گنر، همچنین مدعی است که اکسپرس ترمینال در چارچوب تعریف بند ۳، ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، واحدی است تحت کنترل دولت ایران و بنا بر این دیوان داوری دارای صلاحیت رسیدگی به ادعای میباشد.

ریگووا گنر خواستار جبران خسارات مالی است که در نتیجه نقض ادعای قراردا داشت خوانده، متحمل شده است. میزان این خسارات ۹۵۰،۸۱۲/۷۵۰ دلار، شامل اجاره بهای پرداخت نشده، بهره متعلقه طبق قرارداد با بت پرداختهای دیرتر از موعده اجاره بهای پرداخت نشده، قیمت عادله روز ماشین آلات از سپتامبر ۱۹۸۰ به میزان تخمینی ۱۹۵،۰۰۰ دلار برای هر دستگاه، "خسارت عدم الافع ماشین آلات و خسارت بهره مبالغ پرداخت نشده"، به نرخ ۱۵ درصد در سال، و هزینه ها، میباشد.

اکسپرس ترمینال با این استدلال به دفع پرداخته است که دیوان داوری دارای صلاحیت رسیدگی نسبت به ادعای نیست، به دلیل اینکه اکسپرس ترمینال طبق الزام بیانیه حل و فصل دعاوی تحت کنترل دولت ایران نمیباشد. علاوه بر این، اکسپرس ترمینال، منکر اینست که قراردادهای اجاره رسمی "منعقد و نسبت به وی تعهد آور بوده است، زیرا که قراردادها به امضا دونفر از مدیران شرکت، که طبق تصویب نامه شرکت ضروری بوده، نرسیده است. اکسپرس ترمینال منکر آنست که با بت اجاره ماشینها تخلیه و با رگیری مبلغی پرداخته است. بعلاوه اکسپرس ترمینال منکر آنست که تجهیزات موصوف در قراردادهای اجاره اصلًا در اختیار او بوده و از آنها رمیدارده، به عقیده وی، این تجهیزات در ایران نیست.

جلسه استماع این دعوی روزهای اول و دوم سپتامبر ۱۹۸۲ (۱۰ و ۱۱ شهریورماه ۱۳۶۱) در شعبه سه دیوان داوری برگزار شد که طی آن طرفین استدلالات نهائی و ادلہ شفاهی خود را ارائه کردند.

بخش دوم - صلاحیت دیوان

مبنای ذیربسط جهت تعیین اینکه دیوان داوری نسبت به ادعاء دارای صلاحیت است یا خیر بند ۱، ماده دو بیانیه حل و فصل ادعاهای است که دیوان داوری را، از جمله، "به منظور رسیدگی به ادعاهای اتباع ایالات متحده علیه ایران" تاسیس نموده است.

خواهان ادله و مدارکی ارائه نموده که ثابت می‌کنند در تما م مدت‌های مربوط به موجب قوانین ایالات اورگان تشکیل یافته بوده، و نیز اینکه اشخاص حقیقی تبعه ایالات متحده در شرکت خواهان حقوقی بمراتب بیش از ۵۰ درصد سهام سرمایه‌ای آن بطور غیر مستقیم در اختیار داشته‌اند.

با براین، خواهان، در مفهوم بیانیه حل و فصل دعاوی تبعه ایالات متحده است.

مسئله‌ای که باقی می‌ماند این است که تعیین شود آیا ادعا "متوجه ایران، است یا خیر؟" بنده ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاهای "ایران" را بدین شرح تعریف کرده است:

.... "ایران" یعنی دولت ایران و هرنوع سازمان
فرعی سیاسی ایران و هرنوع موسسه، واحد و تشكیلاتی
که به وسیله دولت ایران و یا سازمانها سیاسی فرعی
آن کنترل می‌شود.

براساس مدارک موجود، دیوان چنین نتیجه‌گیری می‌کند که از زمان شروع رویدادهای انقلابی در ایران، اکسپرس ترمینال تحت اداره مدیر و هیات مدیره ثبت شده خود را بود و سه مداران در موقعیتی نبوده اند که حقوق خود را اعمال و وظایف و مسئولیت‌های خود را به عنوان سه مدارا یفا نمایند. علاوه براین، دلایل روشنی در دست است که اکسپرس ترمینال به وسیله اشخاصی اداره شده است که توسط یک مرجع دولتی نصب شده‌اند، هر چند که هیچ فرمان رسمی در این رابطه در دست نیست. اکسپرس ترمینال در تائید این استدلال خودکهیک واحد خصوصی است و تحت کنترل ایران نیست، مدارکی ارائه نموده دایر براین که هیچ تحول و دگرگونی در راسته با شرکت، رسمی "درا ایران" به ثبت نرسیده است. معهداً، این مدارک به خودی خود بداین سوال که شرکت تحت کنترل ایران بوده است یا خیر، پاسخ نمی‌دهد.

با توجه به این سوابق، و این واقعیت که خوانده دلیل و مدرک کافی در تأثید موقعيت خود مبنی بر اینکه یک واحد خصوصی است ارائه ننموده است، دیوان داوری عقیده دار یکه دلایل قانع کننده‌ای وجود دارد که بسیار موجب آنها شرکت، در مفهوم بند ۳ ماده هفت بیانیه حل و فصل ادعاهای تحقیقی دولت ایران است.

این نتیجه‌گیری با توجه به دونکته دیگر بیشتر موردنظر تأثید واقع می‌شود؛ اولاً، به موجب ماده ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بخش دولتی اقتضا داجمله رشته‌های دیگر، صنعت حمل و نقل را نیز دربر می‌گیرد. تسهیلات تخلیه و با رگیری بنادر که اکسپرس ترمینال با آن سروکار دارد، جزء لاینفک صنعت حمل و نقل می‌باشد.

ثانیاً، در ضمن دعوا ائم که توسط ریگوواگنردریک دادگاه ایالت متحده آقا مهشده، اکسپرس ترمینال این موضع را تجاوز کرده است که دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوى مطروحه علیه‌وی را ندارد، چه شرکت توسط دولت ایران اداره می‌شود و به موجب قوانین مربوط ایالت متحده، شرکت یک واحد حاکم به شما رمی‌زندگاند که از صلاحیت دادگاه‌های ایالت متحده مصون است.

بدینسان موضعی که در اینجا اتخاذ ذکر دیده مستقیماً "با این ادعای خوانده در برابر دیوان که اکسپرس ترمینال یک واحد مستقل خصوصی است در تعارض است.

بخش سوم - اصل دعوى

ادله و مدارک حاکیست که ریگوواگنردریک را داجاره در تاریخ ۲۹ آوت ۱۹۷۷ (۷ شهریور ۱۳۵۶) برای دوما شین تخلیه و با رگیری مدل ۸۰ - ۱۰۰.۱۰.۰۰۰ امضاء و مبارله کرده است. این قراردادها توسط رابت یوترویک، ظا هرا "از جانب اکسپرس ترمینال، امضاء شده بود. در کنار امضاهای رابت یوترویک اختصار. Dir. Mg. (مدیر عامل) *

به صورت دست نوشته به چشم می‌خورد. ریگوواگنردریک نامه مورخ ۳۱ آوت ۱۹۷۷ (۹ شهریور ۱۳۵۶) ارسالی به آقای والتر آ. روینز، که به عنوان معاون زانسی یوترویک، اینکورپوریتد، فلوریدا مشخص شده بود، اصلاح قراردادها را پیشنهاد کرد. این

پیشها در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۷۷ (۲۸ شهریور ماه ۱۳۵۶) توسط هندریک یوتریک، ظا هرا "از جانب اکسپرس، پذیرفته شد.

"در رابطه با دفاع مطروحه اکسپرس ترمینال مبنی بر اینکه قراردادهای اجاره‌رسمی منعقد نشده بود، دیوان داوری توجه میدهد که، بر طبق تصمیم متذکر دراولین حلسه هیات مدیره در تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۷ (۲۴ آبان ماه ۱۳۵۶)، دونفر از سه فرد نامبرده که هیچ یک از آنها را برت یوتریک یا هندریک یوتریک نبودند، اجازه واختیار امضای "کلیه اسناد و مدارکی که ... تعهدی را برای شرکت ایجاد کنند" یافتند، به هریک از این سه نفر بی‌موجب همین تصمیم، اجازه داده شدکه واختیار را خود را تفویض کنند.

اولین سوالی که پیش می‌آید اینست که آیا امضای قراردادهای اجاره‌توسط را برت یوتریک، یا امضای بعدی اصلاحیه قراردادهای یا دشده توسط هندریک یوتریک، در حکم ایجاد تعهد قراردادی برای اکسپرس ترمینال بوده است. دیوان داوری هیچگونه دلیل کافی در دست ندارد که نشان دهد را برت یوتریک یا هندریک یوتریک در هریکی از دوره‌های زیربسط اجازه واختیار امضای قراردادها را از جانب اکسپرس ترمینال را داشته‌اند. در این رابطه با ید خاطرشان ساخت که بر طبق اساساً مشرکت، شرکت مزبور درواقع تا تاریخ ۱۵ نوامبر ۱۹۷۷ (۱۴ آبان ماه ۱۳۵۶) تشکیل نیافته بود، و در چنین اوضاع واحوالی را برت یوتریک یا هندریک یوتریک نیز نمی‌توانستند در اوت یا سپتامبر ۱۹۷۷ اختیار امضاء از جانب اکسپرس ترمینال را داشته باشند. با توجه به مراتب پیش‌گفته، و نیز با توجه به اینکه هیچگونه مدرکی لاموضع مخالف ارائه نگردیده، دیوان داوری چنین نتیجه‌گیری می‌کند که قراردادهای یا دشده ازابتدا غیرنافذ بوده است.

سپس این پرسش مطرح می‌شود که آیا قراردادهای اجاره، با وجود اینکه ازابتدا معتبر نبوده، و بعداً "نیز صریحاً" به تصویب ارگان‌های ذیصلاح اکسپرس ترمینال نرسیده، با اینحال بدلیل اینکه توسط اکسپرس ترمینال دریافت و مورد استفاده واقع شده، بر آنها ص和尚گذا رده شده است؟ در این رابطه، دیوان توجه میدهد که مدرک و دلیلی حاکی از اینکه اجاره‌بهائی از جانب اکسپرس ترمینال پرداخت شده است در دست نیست.

در واقع، خواهان تصدیق کرده است که پرداختها توسط یوتریک کوریر روشن صورت گرفته، اما مدعی است که کورپوریشن مزبور به عنوان کارگزار اصلی اکسپرس ترمینال واز جانب وی اینکار را کرده است.

خواهان بارنا مهای ارائه نموده دال برای نگهداری دوستگاه ماشین توسط ایران اکسپرس لاینز به بندر خرمشهر حمل گردیده ... و بعلاوه "ایران اکسپرس ترمینال کورپوریشن، لیمیتد" ، به عنوان منتقل الیه در آن مشخص گردیده است . معهذا ، این سند نمیتواند به عنوان مدرک کافی جهت تحويل تجهیزات به خوانده تلقی شود ، چراکه شرکت یا دشده در زمان حمل تجهیزات هنوز موجودیت نداشته است .

علاوه بر این ، خواهان ، گزارش سرویس دوستگاه ماشین تخلیه و با رگیری را ، کم در ژوئن ۱۹۷۸ توسط یکی از کارمندان ریگوواگنرتھیمه شده ، تسلیم کرده است . در عنوان این گزارش ، نام "ایران اکسپرس ترمینال قید شده است . گزارش سرویس - و فیلمی که توسط خواهان در طی استماع نشان داده شد - این ادعای خواهان را که ماشینها تخلیه و با رگیری در بندر خرمشهر موجود و مورد استفاده قرار گرفته ، تائید میکند . معهذا ، به نظر دیوان این مدرک کافی برای اثبات اینکه ماشینها تخلیه و با رگیری به موجب قراردادهای اجاره تحت استفاده اکسپرس ترمینال ، و در تصرف او بوده است نمیباشد . در تلکس ارسالی مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۸۰ (۲ اسفندماه ۱۳۵۸) یوتریک کورپوریشن به "سازمان بنا دروکشتیرانی ، بندر خرمشهر و وزارت راه و ترا بری - تهران ، صریحاً" ذکر شده که یوتریک کورپوریشن نسبت به قطعات مختلف تجهیزات ، از جمله دوستگاه ماشین تخلیه و با رگیری ، دارای "حقوق مالکیت و منافع بوده و همچنین نسبت به آنها مسئول است" . این مطلب ادعای خوانده را دایر برای نگه گز طرف قراردادهای اجاره نبوده تا حدی تائید میکنند .

با ید خاطرنشان شود ، بمجرد اینکه دیوان تشخیص دهد که قراردادهای اجاره از ابتدا برای خوانده تعهدآور نبوده است ، با راثبات اینکه قراردادها به موجب فعل بعدی خوانده نسبت به وی لازم الاجرا شده است ، بر عهده خواهان میباشد .

دیوان داوری با ارزیابی مدارک و بینات موجود ، عقیده ندارد که در یافته تجهیزات و پرداخت بهای آن یا استفاده از آن توسط خوانده دلیل کافی بر تصویب قرارداد اجاره سویله خوانده است ، بنحویکه این قراردادهای اجاره برای خوانده تعهدآور باشد ، بنا بر این دعوی مسموع نیست .

بخش چهار - حکم

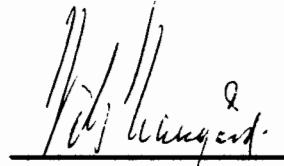
دیوان به شرح زیر حکم صادر می‌نماید:

بدینوسیله ادعای ریگووا گنرا یکوییمت کا مینی به طرفیت ایران اکسپرس ترمینال
کورپوریشن، رد می‌شود.

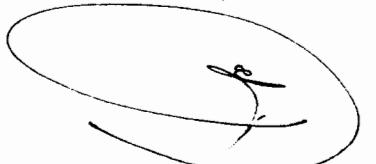
هر یک از طرفین را سا " هزینه‌های داوری خود را به عهده خواهد گرفت.

لاهه،

به تاریخ ۱۸ مارس ۱۹۸۳ برابر با ۲۶ اسفندماه ۱۳۶۱


نیلز مونگارد
رئیس شعبه سه

به نام خدا



م. جهانگیرزاده

(نظر مخالف نسبت به بخش سوم)

Richard M. Moor

ریچارد آ. موئر

(نظر مخالف نسبت به بخش سوم)